



object code

رمز شیء

ای از یک زبان سطح بالا که حاصل ترجمه برنامه (machine language) ای به زبان ماشین (نک: عناصر برنامه رایانه source code) است. (نیز نک: high-level language)(نک :

object permanence

نگهداشت ذهنی شیء

به نظر پیازه شیء ابتدا برای نوزاد مفهومی جدا از عمل او ندارد و هنگامی که شیء در صحنه عمل نوزاد یابد که اشیاء وجود خارجی پایداری مستقل از رابطه نباشد از نظر او وجود نیز ندارد. لیکن به تدریج نوزاد درمی شود دلیلی بر رشد حافظه شان با او دارند. این سطح از رشد شناختی که نگهداشت ذهنی شیء نامیده می conservation) نیز هست. (نیز نک:

object recognition

بازشناسی شیء

ای که آن محرک را فراهم کرده است. انجام عملیات ذهنی روی محرک حسی برای بازشناسی شیء

objective

عینی

(subjective) هر مفهوم، پدیده یا روشی که قابل معرفی و شناسایی برای عموم باشد. در مقابل ذهنی (نک:

observational learning

یادگیری مشاهده‌ای

(social learning) کنند. (نک: یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران و پاداش و تنبیهی که آنها کسب می

observational/theoretical distinction

تمیز مشاهده ای / نظری

اگر خصوصیات یا احکام مربوط به یک پدیده مستقیماً قابل تجربه حسی باشد آن پدیده مشاهده پذیر یا شود. شود. و گرنه "نظری" تلقی می‌ای خوانده می‌مشاهده

Occam's Razor

تیغ اکام

شود با گامهای کمتری محقق ساخت با گوید نباید بی جهت کاری را که می‌یک پند روش شناختی که می گامهای بیشتر انجام داد. لذا حتی الامکان نظریه های ساده تر را باید بر نظریه ها و تبیینهای پیچیده تر ترجیح داد.

omission error

خطای حذف

زند که عملی انجام شده پندارد یا حدس می که در آن فرد می (source memory) نوعی خطای حافظه منبع (نک: repetition). است حال آن که در واقع انجام نشده، بلکه او در مورد آن تنها تخیل و قصد داشته است. (نیز نک: error) توان زیربنای گم کردن اشیا نیز دانست و آن وقتی است که مثلاً برای شخصی خاطره این خطا را می قراردادن چیزی مثل دسته کلید یا عینک در یک جای خاص در واقع محفوظاتی ناشی از قصد او باشد نه ناشی از عملش.

on-line

بر خط

ای. دسترسی مستقیم و فوری به اطلاعات از طریق شبکه های رایانه

ontology

هستی شناسی

بحث فلسفی در باره ماهیت حقیقت، حالت گزاره ها، و تفسیر جهانهای ممکن. در بعضی از مباحث این علم

شود. درباره وجود خدا نیز بحث می

operant conditioning

شرطی شدن عامل، شرطی سازی عامل

تواند با عمل خود روی گیرد که چگونه هر گاه بخواهد می‌نوعی یادگیری شرطی که در آن فرد یا حیوان یاد می‌محیطش اثر بگذارد تا به نتیجه مطلوبی برسد. این اصطلاح غالباً به طور مترادف با شرطی شدن ابزاری (نک: رود. و گاهی نیز در معنای عامتر فوق به کار می‌instrumental conditioning)

operating space

فضای عملیات

دو مرحله یا بخش دارد، حافظه کوتاه مدت (نک working memory) حافظه کاری (نک: Case) در نظریه کیس کند تا دومی آنرا و فضای عملیات. اولی اطلاعات دریافتی را برای مدت کوتاهی حفظ می‌(short-term memory): پردازش کند.

operations

عملیات، اعمال

operational

عملیاتی

شود. کودک در حدود ۷ سالگی در اصطلاح پیاژه در رشد شناختی، کودک به تدریج قادر به تفکر عملیاتی می‌گردد و از حدود ۱۲ سالگی آماده تفکر بر اساس عملیات می‌(concrete operations) قادر به عملیات عینی (نک: شود. می‌formal operations) منطقی صوری (نک:)

operator

عامل حل مسئله

دهد تا به حالت هدف‌شود که فرد انجام می‌به عنوان اصطلاح خاص در بازنمایی یک مسئله به عملی گفته می‌یعنی حل مسئله برسد. (goal state)

optic aphasia

زبان پریشی دیداری

بیند نام ببرد لیکن اگر بتواند آن چیزها را لمس بکند می‌تواند چیزهایی را که می‌در این نوع اختلال فرد نمی‌بیند چیست. تواند نشان دهد که کاربرد اشیایی که می‌تواند نام ببرد. همچنین با تقلید و نمایش می‌

organization

سازمان، سازماندهی

original meaning

معنای اصلی

دهد. منبع نهایی که یک سامانه بازنمایی، تفسیر معنایی خود را با تکیه بر آن انجام می‌

orthographic strategy

راهبرد املاپی

سومین و آخرین مرحله در یادگیری خواندن که در آن کلمات به واحدهای املاپی (یعنی رشته های حروف) شوند. در مرحله اول راهبرد تصویری و در مرحله شوند ولی، بر خلاف مرحله قبل، به واجها تبدیل نمی‌تجزیه می‌(logoographic strategy) شود. (نک: دوم راهبرد الفبایی استفاده می‌)

ostensive definition

تعریف با اشاره به مصادیق

تعریف یک کلمه با اشاره به انواع مصادیق (خارجی) آن کلمه، نه با استفاده از کلمات دیگر.

other minds problem

مسئله‌آذهان غیر

اشاره به این مسئله که چگونه شواهد عینی می‌تواند این ادعا را که دیگران هم دارای فکر و احساسند تأیید کند.

output

برونداد

output device

ابزار برون‌داد